

آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی از منظر قرآن کریم^۱

مآئده حیدری^۲

لاله افتخاری^۳

چکیده

از موضوعات مهم اجتماعی در قرآن کریم، تأثیرگذاری مردم در ساختن آینده و سرنوشت جامعه است. همانطور که شخص نسبت به سرنوشت خود، مسئول است، نسبت به سرنوشت جمعی نیز مسئولیت دارد و به همین سبب «رفتار جمعی» اهمیت می‌یابد. پویایی، حرکت و رشد در مسائل گوناگون جامعه حاصل اراده و حرکت‌های جمعی مثبت است، همچنانکه رفتارهای جمعی منفی نیز می‌تواند به افزایش مشکلات و آسیب‌های فراگیرتر در ابعاد گوناگون بینجامد. هدف پژوهش حاضر بررسی آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی در قرآن کریم در دو بخش آثار رفتارهای جمعی منفی و آثار رفتارهای جمعی مثبت است. این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و با روش توصیفی- اسنادی انجام شده است. روش تحلیل داده‌ها از نوع تحلیل محتوای کیفی است. جامعه تحقیق، متنی و شامل مجموعه آیات قرآن کریم در تفاسیر و پژوهش‌ها و کتب اسلامی و جامعه شناسی مرتبط است که به صورت هدفمند و در راستای اهداف و پرسش‌های تحقیق انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آثار رفتار جمعی در قرآن کریم، شامل آثار مثبتی چون آبادانی شهرها و نزول برکات، زمامداری شایستگان، یاری خداوند، امداد مؤمنین و آثار رفتارهای جمعی منفی مانند عذابهای دنیوی و اخروی، نفرین پیامبران و صالحان، طبع دلها، آوارگی و سرگردانی است. **واژه‌های کلیدی:** قرآن کریم، آثار رفتار جمعی، آثار دنیوی و اخروی، رفتار جمعی مثبت، رفتار جمعی منفی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۱

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. maedeheydari1986@gmail.com

۳. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول). etkharri@shahed.ac.ir

مقدمه

رفتار جمعی از هر گردهمایی انسانی نشئت می‌گیرد که در آن هر فرد، در اثر خلق یا وضع روحی در آن سهمی داشته، در شکل‌یابی آن شرکت داشته است و به‌سوی عمل یا اندیشه‌هایی رانده می‌شود. این معنا در متون اسلامی در قالب عباراتی همچون نقش مردم و حرکت یا مشارکت اجتماعی و یا روح جمعی مطرح شده است. در حوزه عمل اجتماعی از مردم خواسته شده تا همانگونه که برای تعیین و تغییر سرنوشت خویش به‌سوی سعادت تلاش می‌کنند، نسبت به سرنوشت جمعی و نیز سرنوشت اجتماعی حساس باشند و آن را به‌عنوان یک تکلیف و وظیفه قلمداد کنند (عبداللهی، ۱۳۹۶: ص ۲).

در کلام اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان مفسران راستین کتاب الهی نیز مطالب ارزشمندی در مورد اهمیت رفتار جمعی مطرح شده است. به‌عنوان نمونه، حضرت ولیعصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، ظهور را در گرو تجمع قلوب مؤمنان و اجتماع حول امام عنوان نموده و فرموده‌اند: «اگر تحول اجتماعی در قلوب اتفاق می‌افتاد، میمنت لقاء ما به تأخیر نمی‌افتاد و آنها به لقاء می‌رسیدند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۱۷۷).

رفتارهای جمعی را می‌توان به دو بخش رفتارهای جمعی دارای ارزش مثبت و رفتارهای جمعی دارای ارزش منفی تقسیم کرد. خداوند در تغییرات اجتماعی مثبت یا منفی مخاطبان را به تغییرات جمعی توجه داده، بر تأثیر متقابل اجتماع بر سرنوشت جمعی و فردی تأکید نموده است (رعد: ۱۱).

در قرآن کریم شواهد بسیاری در خصوص تأثیر رفتارهای جمعی بر سرنوشت جوامع در حوزه‌های گوناگون وجود دارد. نمونه‌ی جامعی از آن، آیه ۹۶ سوره‌ی اعراف است که از تأثیر رفتارهای جمعی مثبت و منفی بر سرنوشت جوامع حکایت می‌کند. از جمله نمونه‌های رفتار جمعی منفی، رفتار قوم بنی‌اسرائیل است که به جای شکرگزاری از دریافت نعمت‌ها، به فکر زیاده‌خواهی و تنوع‌طلبی افتادند (بقره: ۶۱). اثر رفتار جمعی آنان چنین شد که قومی با چنین ویژگی‌ها و خصوصیتی، به ذلت و خواری افتاده و قهر و غضب الهی شامل حال آنان شد (قرآنتی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۲۶). همچنین رفتار قوم یونس علیه‌السلام، نمونه‌ای از رفتار جمعی

مثبت یادشده در کتاب خداست که چون ایمان آوردند، مجازات رسواکننده در زندگی این دنیا از آنها برطرف شد و تا وقت معلومی (تا پایان عمرشان) بهره‌مند شدند (یونس: ۱۰). آنچه قوم یونس علیه السلام را از دیگر اقوام ممتاز می‌کند این است که آنها به صورت دسته جمعی ایمان آوردند. علت رفتار جمعی ایشان که مبتنی بر ایمان و توبه دسته جمعی بود، به برداشته شدن عذاب الهی و بهره‌مندی ایشان منجر شد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۴: ج ۸، ص ۳۸۹).

امروز جوامع بشری با مشکلات بسیاری مواجه هستند و به‌رغم پژوهش‌ها و اقدامات صورت‌گرفته، روز به روز بر این مشکلات افزوده می‌شود. علت را باید در نگرش ناقص و بخشی به مسائل و عدم بهره‌مندی از منبع و مبنای وحیانی دانست. حال آنکه رسالت انبیاء الهی نجات بشریت از سرگردانی و نشان دادن راه و سبک زندگی صحیح به آنها بوده است که نسخه کامل شده رهنمودهای آنان از طریق مراجعه به قرآن و شارحان آن یعنی اهل بیت علیهم السلام به دست خواهد آمد (خلیلی‌زاده حاجی، ۱۳۹۳: ص ۶).

در زمینه رفتارهای جمعی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که پایان نامه داودی (۱۳۸۹) با عنوان «نقش جمع‌گرایی در تکامل انسانی از منظر اهل بیت علیهم السلام» و نیز پایان نامه صباغ جدید (۱۳۸۳) با عنوان «تبیین انقلاب اسلامی با تاکید بر نظریه‌ی رفتار جمعی»، از جمله این آثار به شمار می‌آیند. با این حال به‌رغم اهمیت فراوان، پژوهشی در رابطه با آثار دنیوی و اخروی رفتارهای جمعی از منظر قرآن کریم انجام نشده است؛ از این رو با توجه به آنچه مطرح شد، این پژوهش بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی از منظر قرآن کریم کدام است؟

۱. رویکردهای نظری رفتار جمعی

در این مجال رویکردهای نظری رفتار جمعی، شامل رویکرد روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی ارائه می‌شود.

۱-۱. رویکرد روان شناسی

از نظر گوستاو لوبون،^۱ بحث درباره رفتار جمعی به معنی روان شناسی افرادی است که به صورت توده درآمده‌اند. روانشناسی کسانی که به صورت توده ظاهر می‌شوند، اساساً با روان شناسی فردی متفاوت است. وضع فرد به محض عضویت یافتن در توده مردم تغییر می‌یابد، به عبارتی دیگر، فرد در اثر پیوستن به توده، دیگر به خود متعلق نیست و به انسان بیاراده و دانه شنی در میان دانه‌های دیگر شن مبدل می‌شود که باد به میل خود آنها را به هوا بلند می‌کند. تجمع افراد در توده‌ی مردم به تشکیل موجودی تازه و فوق فرد و روح جمعی منتهی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵).

براون،^۲ رفتار جمعی را پدیده‌های توده‌ای می‌نامد و آنها عمدتاً بر پایه‌ی معیارهای فیزیکی، زمانی و روان شناختی تعریف می‌کند. او جماعت‌هایی را که مرتکب رفتار جمعی می‌شوند، به دو گروه تقسیم می‌کند: انبوه از هم پاشیده مردم (جماعت غوغاسالار)^۳ و جماعت مخاطب (تماشاگر)^۴ (همان).

ترنر و کیلیان،^۵ در کتاب مشهور خود به نام رفتار جمعی چنین اظهار کرده‌اند که رفتارهای جمعی پدیده‌هایی هستند که در حد فاصل رفتارهای پراکنده فردی و رفتارهای گروهی سازمان یافته قرار می‌گیرند. ایشان، اوباشگری را در شکل جمعی و گروهی آن جزء رفتار جمعی از نوع همگانی دانسته‌اند و رفتارهای خشونت آمیز و معطوف به تخریب و ویرانگری در سطح افراد جزء رفتارهای پراکنده‌ی فردی محسوب شده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵-۱۵۶).

۱-۲. رویکرد روان شناسی اجتماعی

در ذیل به بیان برخی نظریه‌های رویکرد روان شناسی اجتماعی پرداخته می‌شود.

1. Gustave Le Bon.
2. Brown
3. A funny congregation
4. Constituency audience
5. Turner and Killian

الف. نظریه تعامل گرایی

تیین‌های نظری از نوع تعامل‌گرایی، ریشه‌های رفتارهای جمعی را در شخصیت کنشگران اجتماعی جستجو می‌کنند. آنها بر روی متغیرهایی چون نارضایتی اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و احساس محرومیت به خصوص محرومیت نسبی^۱ تأکید می‌کنند. نظریه‌پردازان دیدگاه تعامل‌گرایی، معتقدند که رفتارهای جمعی از پایین شکل می‌گیرند و وقتی که میزان نارضایتی و ناکامی در میان اعضای جامعه صورت حاد و فزاینده، پیدا کند؛ به خصوص وقتی که نارضایتی با فرایند مقایسه‌ی اجتماعی همراه باشد در اعضای جامعه ورود به جنبش‌های اجتماعی پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۴: ص ۱۵۲).

ب. نظریه یادگیری اجتماعی

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار در فرایند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. شخص می‌تواند با کمک فرایند الگوسازی و با مشاهده دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه یاد بگیرد. فرایند مدل‌سازی در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ص ۹۴-۹۵).

ج. رویکرد جامعه‌شناسی

در نظریات کارکردگرایانه جامعه‌شناسی، گرچه آشوب‌های اجتماعی نوعی عارضه و بیماری اجتماعی تلقی می‌شوند، اما جامعه در روند حرکت خود ناگزیر از ابتلا به این بیماری است. در این دیدگاه، هر جامعه‌ای در طول حیات خود به دلیل افزایش تقسیم کار اجتماعی و پیچیده‌تر شدن روابط درونی، به طور دائم هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی جدید به وجود می‌آورد که افراد باید خود را با آنها انطباق دهند تا بتوانند در شرایط جدید اجتماعی جای بگیرند و همبستگی خود همراه با انسجام اجتماعی کافی را حفظ کنند (فکوهی، ۱۳۸۷: ص ۸۸-۸۷).

۱-۳. رفتار جمعی از منظر اندیشمندان اسلامی

خداوند در راستای سیر الی الله به ما فرموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (ال عمران: ۱۰۳)، یعنی به صورت جمعی و در یک مجموعه‌ی انسانی که همان جمع یک کشور و یا کل بشریت باشد، به ریسمان الهی چنگ بزنید و به قرب الهی برسید. پس حقیقت سیر الی الله مشروط به یک نحوه اجتماع است و باید این سیر به صورت اجتماعی صورت گیرد و نه به صورت فردی (طاهرزاده، ۱۳۹۵: ص ۴۵). در ذیل به بررسی رفتار جمعی از منظر اندیشمندان اسلامی پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. مفهوم شناسی رفتار جمعی

در سخن اندیشمندان و نیز در متون اسلامی، مستقیماً از واژه رفتار جمعی استفاده نشده و این مفهوم در قالب عباراتی همچون نقش مردم و حرکت یا مشارکت اجتماعی مطرح شده است. چنانچه هیچ یک از دو کلمه عربی «جامعه» و «مجتمع» که نخستین آن دو، در زبان فارسی امروزی و دومین شان در عربی جدید متداول است، در قرآن کریم به کار نرفته است. این کتاب شریف برای رساندن معنای «گروهی از انسان‌ها» از کلمات دیگری استفاده کرده است که به ترتیب کثرت استعمال عبارت‌اند از: «قوم» (۳۸۳ بار)، «ناس» (۲۴۰ بار)، «امت» (۶۴ بار)، «قریه» (۵۶ بار) و «ناس» (۵ بار) (ر.ک. مصباح یزدی: ۱۳۹۸).

علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۱ سوره رعد چنین آورده است:

«خدای تعالی این معقبات را قرار داده و بر انسان موکل کرده تا او را به امر خدا، از امر خدا حفظ نموده، از هلاکت یا تغییر در وضعی که هستند آنان را محفوظ کنند. چون سنت خدا بر این جریان یافته که وضع هیچ قومی را دگرگون نسازد، مگر آنکه خود، حالات روحی خویش را تغییر داده، شکرگزاری را به کفران و اطاعت را به نافرمانی و ایمان را به شرک تبدیل نمایند. در این هنگام خدا هم نعمت را به نعمت، و هدایت را به اضلال، و سعادت را به شقاوت مبدل می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ج ۱۱، ص ۴۲۸).

از منظر امام خمینی علیه السلام، مردم و حرکت جمعی آنها در تحقق حکومت، نقش فاعلی

دارند. به عبارتی جایگاه آنان به صورتی است که می‌توان گفت اراده مردم در حکومت به نحوی تبلور می‌یابد و خود را نشان می‌دهد. در مکتب امام خمینی علیه السلام، مردم ابزار قدرت احزاب نیستند، بلکه جایگاهی اساسی دارند (طاهرزاده، ۱۳۹۵: ص ۱۱۱). ایشان در این باره بیان می‌دارند: «با اراده ملت‌ها، اراده‌ای که تبع اراده خداست؛ اراده‌ای که برای خداست؛ غیر ممکن‌ها ممکن و محال‌ها واقع می‌شود. ... این یک واقعیت است و تعارف نیست؛ واقع این است که آنها این نظام را درست کرده‌اند و این نهضت را به وجود آوردند؛ همین جمعیت هستند که پیروزی‌ها را به دست آوردند» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۱، ص ۳۲۳).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئله‌ی اصلی ما، مسئله‌ی مردم است. در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. نظام به خاطر حضور مردم، میل مردم، اراده‌ی مردم و عزم راسخ مردم یک نظام دارای استحکام و اقتدار است (طاهرزاده، ۱۳۹۵: ص ۱۱۴).

در دیدگاه شهید مطهری، مسئله‌ای که در اسلام وجود دارد، اما در میان ملت‌های دیگر امروز دنیا به صورت یک قانون دینی یافت نمی‌شود آن است که اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسئول و متعهد می‌شمارد، بلکه وی را در برابر اجتماع هم مسئول و پاسخگو می‌داند (مطهری، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۵۴).

۱-۳-۲. مفاهیم مرتبط با رفتار جمعی

در ذیل به برخی مفاهیم مرتبط با رفتار جمعی از منظر اندیشمندان اسلامی پرداخته شده است.

الف. جبر تاریخ

شهید مطهری و شهید صدر بر اساس فرهنگ قرآنی برای تاریخ حرکت منطقی و قاعده‌مند قائلند. از دیدگاه «جبر تاریخ» تحولات اجتماعی و تاریخی، تابع یک حرکت منطقی است که بر اساس روابط علی و معلولی به وقوع می‌پیوندد. در واقع جبر تاریخ می‌گوید که هیچ حادثه اجتماعی در بستر تاریخ، فراتر از قانون علیت که بر پدیده‌های نظام هستی حکم فرماست، اتفاق نمی‌افتد. شهید صدر معتقد است که قرآن با این فکر

که حوادث به خودی خود صورت می‌گیرد و یا صرفاً در دست تقدیرات غیبی است به شدت مخالفت می‌کند (صدر، ۱۳۸۱: ص ۷۸).

جبر تاریخ بستگی دارد به اصل علیت در تاریخ. قهراً وقتی ما علیت را در تاریخ قبول کنیم، ناچار باید جبر تاریخ را هم بپذیریم. هر حادثه‌ای که رخ می‌دهد بستگی دارد به یک سلسله علل خاص، با بودن آن علت، پیدایش این معلول ضروری و غیر قابل تخلف است، این جبر تاریخ است (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۲۱).

ب. سنن الهی

خداوند برای اداره امور عالم مجموعه‌ای از قوانین و نظاماتی در نظر گرفته است که به اصطلاح «سنن الهی» گفته می‌شود. زندگی انسان، اعم از زندگی فردی و جمعی، مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط دارد که از سوی خداوند برای اداره امور انسان و جهان در نظر گرفته شده است. این قوانین به مانند چارچوبی گستره زندگی و سرنوشت انسان را تهدید می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۰۲).

موضوع و متعلق سنن‌های الهی قبل از هر چیز عقاید، اخلاق و عقاید فردی و اجتماعی انسانهاست که اگر در مسیر توحید و عبودیت خداوند متعال باشد، مجرای دسته‌ای سنن‌های الهی است و اگر در جهت شرک و استکبار باشد، مجرای دسته‌ای دیگر از سنن‌ها خواهد بود (آقا جانی، ۱۳۹۳: ص ۶). در سنن الهی «تحویل» و «تبدیل» وجود ندارد؛ (فاطر: ۴۳). تبدیل سنن خدا به این است که عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند و تحویل سنن عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن هستند، به سوی قومی دیگر برگردانند و سنن خدا نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل (طباطبایی، ۱۳۶۰: ج ۱۷، ص ۸۳).

ج. روح جمعی

شهید مطهری به اصل «اصاله الاجتماع» در کنار اصل «اصاله الفرد» معتقد است: «از نظر علمای جامعه شناسی، این مطلب ثابت شده که همان طوری که فرد دارای روح است، جامعه هم روح دارد. هر جامعه‌ای دارای فرهنگی است که آن فرهنگ «روح جامعه» را تشکیل می‌دهد» (مطهری، ۱۳۷۱: ص ۳۶).

قرآن کریم تصریح می‌کند که امت‌ها و جامعه‌ها از آن جهت که امت و جامعه‌اند (نه صرفاً افراد جامعه‌ها)، سنت‌ها و قانون‌ها، اعتلاها و انحطاط‌هایی بر طبق آن سنن و قوانین دارند (باقی نصرآبادی، ۱۳۷۷: ص ۱۹۳-۱۹۴). طبق آیات «۱۱ سوره رعد» و «۵۳ سوره انفال»، سرنوشت قوم و جامعه‌ای تغییر نمی‌کند، مگر آنکه آنها از درون متحول شوند و به این واسطه روحیه و عملکرد آن تغییر کند. تغییر اوضاع و شؤون اجتماعی هر قومی روبروی آن قوم است. تغییر بنیادی، تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگر، از این تغییر بنیادی سرچشمه گرفته است، مانند تغییر حالت نوعی، یا تغییر حالت تاریخی و یا تغییر حالت اجتماعی قوم. تغییر در درون توده‌های ملت به نحوی است که محتوای باطنی جامعه، به‌عنوان یک ملت و یک قوم عوض شود وگرنه تغییر یک فرد، یا دو فرد یا سه فرد از افراد جامعه و ملت، نمی‌تواند بنیاد تغییر یک جامعه و قوم را تشکیل دهد (صدر، ۱۳۸۱: ص ۱۴۷).

به‌طور مثال، خداوند عذاب خویش را به‌صورت جمعی بر عموم مردم نمود فرود آورد؛ زیرا که عموم مردم نمود به تصمیمی که یک فرد گرفت خشنود بودند و آن تصمیم که به مرحله عمل درآمد، در حقیقت تصمیم عموم بود. هرگاه روح جمعی و منش عمومی جامعه‌ای اراده کاری کند، دیگر تفاوتی نمی‌کند که آن کار توسط یک فرد انجام شود و یا توسط همه افراد جامعه، به هر صورت، همه در عمل انجام شده شریکند (باقی نصرآبادی، ۱۳۷۷: ص ۲۴). از این رو، بر هر جامعه انسانی، «روح جمعی» خاصی حاکم است و همین روح جمعی است که عملکرد و رفتار مردم آن جامعه و در نهایت سرنوشت ایشان را تعیین می‌کند. بر این اساس منش عمومی و روح جمعی جامعه عصر امامان علیهم‌السلام، ایشان را درک نکرد و به شایستگی نپذیرفت. همچنین آن چه حضرت مهدی علیه‌السلام را ناگزیر از غیبت کرد، روحیه جمعی مردم بود و نه منش یک یا چند نفر خاص و آن چه زمینه و شرایط ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را فراهم می‌کند، تغییر در روح جمعی غالب بر جامعه انسانی است و نه آمادگی یک یا چند نفر خاص (عصارها، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵).

۲. آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی

در اینجا به بررسی آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی، در دو بخش آثار رفتار جمعی مثبت و آثار رفتار جمعی منفی پرداخته خواهد شد.

۱-۲. آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی مثبت

از آنجا که بسیاری از آثار رفتار جمعی مثبت دنیوی، آثار اخروی مثبتی را نیز به همراه دارد؛ در این بخش آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی مثبت از منظر آیات قرآن کریم، بررسی و ارائه شده است.

الف. آبادانی شهرها و نزول برکات

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف: ۹۶)؛ «اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم».

بر اساس وعده تخلف ناپذیر الهی، ایمان و تقوای امت‌ها باعث ایجاد آبادانی جوامع و نزول برکات در میان آنها خواهد شد. این برکات، همان نزول باران و روییدن گیاهان است، زیرا که اگر انسان پاک و با ایمان باشد، به جای نزول عذاب از آسمان و زمین برکات خدا از آسمان و زمین بر او می‌بارد (خلیلی نژاد: ۱۳۹۵).

آنچه مهم است این است که مطابق این آیه شریفه، افتتاح ابواب برکات و باز شدن درهای الهی، مسبب ایمان و تقوای جمعیت هاست، نه ایمان یک نفر یا دو نفر از آنها؛ چون کفر و فسق جمعیت با ایمان و تقوای چند نفر باز کار خود را می‌کند و از سوی دیگر ایمان و تقوا، نه تنها سبب نزول برکات الهی است، بلکه باعث می‌شود انسان آنچه را در اختیارش قرار گرفته، در مصارف صحیح و مورد نیاز خود به کار گیرد (جوکار، ۱۳۹۱: ص ۵).

ب. بالندگی و همه گیر شدن اسلام و زمامداری شایستگان روی زمین

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ

خَوْفَهُمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (نور: ۵۵)؛

«خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آئین را که برای آنها پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. آنچه‌انکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت.» پیام دو آیه همسان در قرآن کریم، همه‌گیر شدن دین اسلام در گوشه و کنار جهان و پیروزی بیچون و چرای آن بر آیین‌های ساخته دست بشر است (توبه: ۳۳؛ صف: ۹). خداوند، دین پسندیده خود را که همان اسلام آخرین است تمکین دهد. پس از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها و اسارت انسان‌ها در زیر سلطه ستم‌ها و جفای تازیانه‌ها، فرماندهی جهان تکلیف بر مبنای همین دین تمکین شود (خاتمی نژاد، ملکی، ۱۳۹۸: ص ۷۹).

خدای متعالی تحقق جامعه آرمانی اسلامی را بر روی زمین وعده داده است. جامعه آرمانی مجموعه‌ای از افراد آگاه، مؤمن، متعبد، متقی و عادل می‌شود که مصادیق «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» هستند، یعنی هم به تعالیم و احکام اسلامی ایمان آورده‌اند و هم نظام ارزشی و رفتاری این دین مقدس را، چه در زمینه اخلاق و چه در زمینه حقوق، در عملاً به کار بسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۴۵۷). همچنین مراد از استخلاف آنان در زمین این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل دهد که زمین را ارث ببرند، آنطور که نیاکان و امم گذشته از صاحبان قوت و شوکت ارث بردند (گلستانی: ۱۳۸۵).

بر پایه رأی همه اندیشمندان شیعی، این مژده فرخنده در زمان فرمانروایی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه به بار خواهد نشست و پرچم اسلام در خاور و باختر برافراشته خواهد شد، هرچند خوشایند سران جبهه باطل نباشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۳۷۰).

ج. پیروزی لشکر حق بر باطل و غلبه جندالله

پیروزی لشکر حق بر باطل و غلبه جندالله و یاری خداوند نسبت به بندگان مرسل و مخلص، از وعده‌های مسلم او و از سنت‌های قطعی است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا

المُؤْسَلِینَ * إِنَّهُمْ لَھُمُ الْمُتْصُورُونَ * وَ أَنْ جُنْدَنَا لَھُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات: ۱۷۱- ۱۷۳)؛ «و قطعاً فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش چنین رفته است که آنان بر دشمنان خودشان حتماً پیروز خواهند شد و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند».

خدای متعال برای اینکه اهل باطل از دشمنان خود شکست بخورند، وسایل گوناگونی می‌تواند برانگیزد. کسانی که به جنگ با اهل باطل می‌پردازند ممکن است خود اهل باطل باشند و ممکن است اهل حق. قرآن کریم درباره شیوه‌های امداد و تأیید الهی نسبت به مؤمنان مجاهد که سبب شکست کفار و مشرکین می‌شد، هم از عوامل درونی و باطنی، مانند القای رعب و ترس در قلوب کفار و مشرکین، انزال سکینه و آرامش بر مؤمنین و کم نشان دادن هریک از طرفین در چشم دیگری نام می‌برد و هم از عوامل بیرونی طبیعی، مانند باد و باران و هم از عوامل خارجی فوق طبیعی، مانند لشکریان نادیدنی و فرشتگان. این شیوه‌ها و نیز شیوه‌های دیگر که ما از آنها بی‌خبریم، همه برای خدای متعالی مساوی و یکسان‌اند و گزینش هریک از آنها بستگی به مقتضای حکمت بالغه او دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۴۹۷).

نظیر این مطالب در آیات فراوان دیگری از قرآن کریم از جمله در آیات (مائده: ۵۶)، (روم: ۴۷)، (حج: ۴۰)، (غافر: ۵۱)، (مجادله: ۲۱)، (محمد: ۷) و (انبیاء: ۷۷) آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۱۸۷ و ۱۸۸) بیان شده است.

د. افزایش هدایت خاص مؤمنین

﴿يَهْدِي بِهٖ اِلٰهٌ مِّنْ اَتْبَعِ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ يٰٓاٰذِنٰهٖ وَيَهْدِيْهِمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ﴾ (مائده: ۱۶)؛ «خداوند به برکت آن (قرآن کریم) کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد».

هدایت، به معنای نشان دادن راه درست مقصد، گونه‌ای راهنمایی، همراه با لطف و بار معنایی مثبت است، ولی گاه به قصد تهکم برای غیر آن به کار می‌رود. هدایت کردن خداوند به دو گونه عمومی و ویژه است. هدایت عمومی خداوند، شامل همه آفریده‌هاست و به سه

گونه هدایت فطری، عقلی و تشریحی قابل تقسیم است که هر کدام نیز شاخه های فرعی دیگری دارند. هدایت ویژه خداوند نیز گونه ای پاداش است که به دلیل حسن انتخاب و پیمودن مسیر حق و قبول هدایت عام خداوند، شامل پیامبران، اوصیای آنان و گروندگان به آنها می شود (محمدی ری شهری: ۱۳۹۱).

همچنین خدای سبحان در آیه ۲۹ سوره انفال، از نوع خاصی از هدایت به نام فرقان یاد کرده و آن را ویژه متقیان می داند. فرقان به معنای چیزی است که میان دو چیز فرق می گذارد و منظور از آن در آیه شریفه، فرقان بین حق و باطل است، چه در اعتقاد و چه در عمل (گلستانی: ۱۳۸۵).

آیات بسیاری هدایت ویژه الهی را برای مؤمنان و پرهیزکاران بیان می کنند. از جمله: (بقره: ۲۵۷، ۲۱۳ و ۲۸۲؛ محمد: ۱۷؛ یونس: ۹؛ عنکبوت: ۶۹؛ مریم: ۷۶؛ تغابن: ۱۱؛ بقره: ۲۸۲؛ مؤمن: ۵۱).

ه. امداد مؤمنین

﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ * فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ مَجْنُونًا فَهَدَّيْنَاهُمْ سَبِيلًا وَأَلْمَمْنَا لَهُمُ السَّمَكَ الْكَبِيرَ﴾ (طه: ۷۷ - ۷۸)؛ «ما به موسی وحی فرستادیم که شبانه بندگانم را (از مصر) با خود ببر و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا».

امدادهای غیبی به عنوان یکی از سنت های مهم در قرآن کریم، مبین آن است که اگر انسان از امدادهای عام الهی درست استفاده کند و قابلیت های معنوی را در خود تقویت نماید، بیگمان نظام علی و معلولی جهان نیز به حمایت او برمی خیزد و او را از پشتیبانی خاص خود بهره مند می سازد (ابراهیمیان و همکاران: ۱۳۹۴).

یادکردنی است که امداد بیرونی مؤمنین که شامل امداد غیرطبیعی (به وسیله فرشتگان): (آل عمران: ۱۲۴) و امداد طبیعی: (احزاب: ۹) است. فرستادن لشکر الهی، انجام امور غیر ممکن، حفظ و صیانت مؤمنین، افزایش نعمات دنیوی و حکومت دادن به صالحان از جمله موارد عوامل بیرونیاند.

امداد درونی مؤمنین شامل ایجاد آرامش روحی (توبه: ۲۶) و ایجاد ترس و وحشت در دل

کفار (آل عمران: ۱۵۱) است. هدایت بخشی و آرامش قلبی، اندک نمایی، ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان، از جمله مصادیق عوامل درونی است (همان).

و. اعطاء حیات طیبه به مؤمنین

باری تعالی می فرماید:

﴿وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۱۰۰)؛

«و قطعاً کسانی را که شکیبایی ورزیدند به بهتر از آنچه عمل می کردند، پاداش خواهیم داد. هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات می بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد.»

حیات طیبه رهاورد سیر الی الله است که اولیای الهی با پیمودن مسیر بندگی و پاسداری از پیمان فطری و میثاق ملکوتی به آن رسیده و از ثمرات آن بهره می برند. حیات طیبه در عالم «عند الله» و در تحت ولایت حق تعالی برای اولیای خدا تحقق می یابد. معیار برخورداری از آن، ایمان و بردباری در جهاد با هواهای نفسانی است. در مقابل حیات طیبه، حیات مادی در عالم موهوم دنیا و تحت ولایت شیطان با معیار شرک صورت بندی شده است و در اثر غلبه هوس ها و نفسانیت بشر را گرفتار می کند (مظاهری سیف: ۱۳۸۵). عصر انتظار، دوره غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که شیعیان به حکومت عدل مهدوی امیدوارانه تلاش می کنند تا شرایط ایجاد حیات طیبه و مدینه فاضله مهدوی را فراهم کنند (گرجیان و کبیری: ۱۳۹۵).

ز. معیت الهی

عبارت شریفه «لَا تَحْزَنَ أَنْ اللَّهَ مَعَنَا» (توبه: ۴۰)، عبارتی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نهایت شدت، در غار ثور تنها و بی کس، به همراهش می فرماید: «خدا با ماست»؛ اثر رفتار جمعی گروهی که با خوبان عالم همراهی نمودند، معیت و همراهی خداوند سبحان با ایشان است. یکی از امید بخش ترین آیات، آیه ی معیت الهی است. اینکه انسان احساس کند

که خدا با او است، خدا در کنار او است، خدا پشت سر او است، خدا مراقب او است، مسئله‌ی بسیار مهمی است، چون خدا مرکز قدرت و مرکز عزت است. وقتی خدا با یک جبهه‌های باشد، این جبهه قطعاً و بلاشک پیروز است. در سخت‌ترین جاها خدای متعال این معیت را به رخ اولیای خود کشانده است (خامنه‌ای: ۱۳۹۶).

گروه‌های دیگری که خداوند معیت خویش را در مورد آنها بیان نمود، دارای اوصاف خاصی هستند: صبر: (بقره: ۲۴۹ و ۱۵۳) و (انفال: ۴۶ و ۶۶)، تقوی: (بقره: ۱۹۴) و (توبه: ۳۶) و (۱۲۳)، ایمان: (انفال: ۱۹) و نیکوکاری: (عنکبوت: ۶۹) و (نحل: ۱۲۸) (قاضیزاده و مرادی: ۱۳۸۸).

ح. ازدیاد نعمت‌ها

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (ابراهیم: ۷)؛ «و نیز یاد کنید هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً نعمت خود را بر شما می‌افزایم». ازدیاد نعمت اعم از مادی و معنوی، به دلیل رفتار جمعی مبتنی بر شکرگزاری، سنت قطعی خداست. این آیه شریفه، مطلق است و دلیلی نیست که ما آن را به وعده و وعیدهای دنیوی اختصاص دهیم و یا مختص آخرتش بنماییم. وانگهی از آیات کریمه قرآن کاملاً استفاده می‌شود که ایمان و کفر و تقوی و فسق، هم در شؤون زندگی دنیا تأثیر دارند و هم در زندگی آخرت. می‌توان گفت که همه سنت‌های الهی که مخصوص اهل حق است، به یک معنا، مصادیق «زیادت نعمت» است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۴۸۰).

ط. نجات بخشی خدا

﴿فَتَجِّنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ﴾ (یونس: ۷۳)؛ «ما هم او و پیروانش را که با او در کشتی بودند نجات داده و خلفای روی زمین قرار دادیم».

یاران نوح هشتاد نفر بودند و کافران بسیار، اما به امداد الهی، کافران نابود و مؤمنان وارث زمین گشتند (اعراف: ۶۴). بدون شک، طوفان همه آثار حیات را در هم کوبیده بود و طبعاً زمین‌های آباد، مراتع سرسبز و باغ‌های خرم، همگی ویران شده بودند، اما خداوند به این گروه مؤمنان اطمینان داد که درهای برکات الهی به روی شما گشوده خواهد شد و از نظر زندگی هیچ گونه نگرانی به خود راه ندهند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۹، ص ۱۲۲).

آیات (عنکبوت: ۱۵)، (صافات: ۷۶) و (هود: ۴۸) نیز اثر رفتار جمعی قوم نوح را بیان می‌کنند. موضوع نجات و رستگاری و حیات طیبه و جاودان در اسلام، یکی از مسائل مهم و عمده‌ای است که توجه تمام فرقه‌ها و نحله‌های مسلمانان در طول تاریخ بدان معطوف بوده است. این نجات، نجات از هلاکت دنیوی و اخروی است که موثری است برای اثر رفتار جمعی گروهی با صفات ایمان و عمل صالح. نتیجه‌ی ایمان و استقامت، نجات و حکومت است و در نهایت، پیروزی با اهل ایمان است و رسوایی با اهل کفر و شرک (قرائتی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۶۰۳).

همچنین، آیات (هود: ۵۸ و ۸۱)، (شعرا: ۱۷۰)، (نمل: ۵۷) و (صافات: ۱۳۴)، اثر رفتار جمعی قوم لوط و نجات بخشی به عنوان اثر رفتار جمعی گروه پیرو قوم هود را تبیین کرده‌اند.

ی. امنیت

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾ (نور: ۵۵)؛

«و خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند». در اینجا لازم است به چند نکته اشاره شود: نخست آنکه امنیت ملّی از عناصر محوری اهداف حکومت اسلامی است؛ امنیت همه جانبه‌ای که زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم کند. هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. امنیت واقعی در سایه حکومت دین است. امنیت در جامعه اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می‌سازد. از این جهت، قرآن شریف، تأمین امنیت عمومی و ملّی را در گرو حکومت اسلامی می‌داند.

نکته دیگر اینکه قرآن شریف حکومت اسلامی را مسئول تأمین امنیت عمومی و ملی می‌داند. سرزمین و حکومتی که از امنیت ملی برخوردار باشد، از بزرگترین نعمت معنوی برخوردار است و ناسپاسی در برابر آن، گناهی نابخشودنی است. خداوند می‌فرماید: «پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، تا امنیت و تعالی و تکامل آنها را تأمین کند ولی او را تکذیب کردند، از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت» (نحل: ۱۱۴).

سومین نکته آنکه سوره‌ی فیل و داستان فیل سواران، برای براندازی شهر مکه و خانه‌ی خدا و برخورد خداوند با آنان، از جمله‌ی صریح‌ترین سوره‌ها و آیاتی است که جهت تأمین امنیت ملی و امنیت عمومی نازل شده است. همچنین خانه‌ی خدا، سُنْبلی از یک شهر است که تأمین امنیت آن بدست خدا است که در قرآن کریم به آن وعده داده شد (جوادی آملی: ۱۳۹۳).

۳. آثار رفتار جمعی منفی

در این بخش، آثار رفتار جمعی منفی از منظر آیات قرآن کریم، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، آثار رفتار جمعی منفی در دو بخش آثار رفتار جمعی منفی دنیوی و آثار رفتار جمعی منفی اخروی، ارائه شده است.

۳-۱. آثار رفتار جمعی منفی دنیوی

در ذیل، بررسی آثار رفتار جمعی منفی دنیوی، از منظر آیات قرآن کریم آمده است.

الف. مجازات با صاعقه

«وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا مِّمَّاتِنَا فَلَمَّا اخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ...» (اعراف: ۱۵۵)؛ «و موسی علیه السلام از قوم خود هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزیده و هنگامی که زمین لرزه آنها را فراگرفت و هلاک شدند».

هفتاد نفر از برگزیدگان قوم بنی اسرائیل، موسی علیه السلام را در میقات همراهی کردند و تکلم خداوند با موسی علیه السلام را شنیدند؛ ولی لجاجت کرده، درخواست رؤیت خداوند را نمودند و

آن را شرط ایمان به موسی علیه السلام و نزول تورات بر او قرار دادند. آنان با این درخواست وجود بینات فراوان در تأیید رسالت موسی علیه السلام را نادیده گرفتند، چون این درخواست حاکی از طبع لجوج و سرکش آنها بود، خداوند آنان را با نزول صاعقه مجازات نمود و آنها در اثر صاعقه مردند؛ ولی به درخواست موسی علیه السلام، خداوند مجدداً آنها را زنده نمود (بقره: ۵۵-۵۶؛ نساء: ۱۵۳).

در آیاتی از قرآن کریم، اثر و نتیجه رفتار جمعی منفی قوم عاد را تند بادی طغیانگر و بیباران بیان فرموده است (اعراف: ۷۲؛ ذاریات: ۴۱ و ۴۲؛ حاقه: ۶-۸). همچنین در سوره فصلت، در اثر رفتار جمعی مورد قوم عاد و ثمود آمده است:

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِقَهُمْ عَذَابَ الْجُزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَخْزَبُوهُمْ لَا يُنْصَرُونَ* وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَهُمُ صَاعِقَةٌ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (فصلت: ۱۶ و ۱۷)؛ «سرانجام تندبادی شدید و هول‌انگیز و سرد و سخت در روزهایی شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم؛ و عذاب آخرت از آن هم خوارکننده تر است و (از هیچ طرف) یاری نمی‌شوند! اما ثمود را هدایت کردیم ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند؛ لذا صاعقه، آن عذاب خوارکننده، به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند آنها را فرو گرفت».

ب. غرق شدن

در سوره فرقان آمده است: ﴿وَقَوْمٍ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (فرقان: ۳۷)؛ «همچنین قوم نوح را هنگامی که تکذیب رسولان الهی کردند، غرق نمودیم و سرنوشت آنها را نشانه روشنی برای عموم مردم قرار دادیم و برای همه ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساختی».

اثر رفتار جمعی قوم نوح مبتنی بر تکذیب، غرق شدن بیان شده است (اعراف: ۶۴). از سنت‌های الهی، ابتدا مهلت دادن و سپس قهر و غضب بر عاصیان است. نکته‌ی قابل

ذکر آن است که حوادث و عوامل طبیعی و تحولات تاریخی، به‌دست خداوند است و بر اساس افکار و اعمال و اخلاق مردم صورت می‌گیرد. این اثر، در آیات دیگری نیز (یونس: ۷۳؛ هود: ۴۰) بیان شده است.

ج. باران سنگ

کلام الله مجید می‌فرماید: «و امطرنا علیهم مطراً فانظر کیف کان عقبه المجرمین» (اعراف: ۸۴)؛ «آن‌گاه بارانی عجیب بر آنان بباراندیم، بنگر تا عاقبت بدکاران چه سان بود». آیه‌ی فوق و نیز آیات دیگری از قرآن مجید: (هود: ۸۲ و ۸۳؛ شعراء: ۱۷۱ و ۱۷۲؛ نمل: ۵۸)، اثر رفتار جمعی منفی قوم لوط را بیان کرده‌اند. این آیات، اشاره بسیار کوتاه و پر معنی به مجازات شدید و وحشتناک این قوم کرده است، گرچه نوع این باران بیان نشده است، اما از ذکر کلمه «مطرا» (بارانی)، به‌طور سربسته روشن می‌شود که از باران‌های معمولی نبوده، بلکه بارانی از سنگ بوده است. هرچه روی سخن در اینجا به پیامبر ﷺ است، اما روشن است که هدف عبرت گرفتن همه افراد با ایمان است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۶، ص ۲۴۸). در اینجا این پرسش مطرح است که آیا تنها قوم لوط باید چنین مجازات شوند؟ مسلماً نه، هر گروه منحرف و ملت ستم‌پیشه‌ای چنین سرنوشتی در انتظار او است. گاهی زیر باران سنگریزه‌ها و گاهی زیر ضربات بمب‌های آتش‌زا و زمانی زیر فشارهای اختلافات کشنده اجتماعی و بالاخره هر کدام به شکلی و به صورتی (همان).

د. نفرین پیامبران و صالحین

نفرین پیامبران و صالحان، اثر رفتار جمعی منفی قوم تکذیب‌کننده است. درخواست نوح علیه السلام، اجابت پروردگار را به همراه داشت: «ما راندا کرد، ما هم اجابت کردیم و چه خوب اجابت‌کننده‌ای هستیم»: «ولقد نادانا نوح فلنعم المجبون» (صافات: ۷۵). این دعا ممکن است اشاره به آیات ۲۶ و ۲۷ سوره نوح باشد و یا دعائی که در آیه ۱۰ سوره قمر آمده است (همان: ج ۱۹، ص ۸۰). اصولاً در سازمان آفرینش هر موجودی برای هدفی آفریده شده است، هنگامی که از هدف خود به کلی منحرف شود و تمام راه‌های اصلاح را برای خود ببندد، باقی ماندن او بی‌دلیل است و خواه و ناخواه باید از میان برود. در ادامه بیان میدارد که ما

به دنبال این درخواست نوح درهای آسمان را گشودیم و بارانی شدید و پی در پی و مرگ زا فرو بارید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۹، ص ۹۳).

ه. نزول رجز و عذاب

﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (بقره: ۵۹)؛ «پس افراد ظالم (بنی اسرائیل) این قول را تغییر دادند و به جای آن جمله استهزاء آمیزی می گفتند، از این رو ما بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم». پس از فتح بیت المقدس به بنی اسرائیل دستور داده شد با حالت خشوع به شهر وارد شوند و کلمه حظه را بر زبان آورند و با این سخن از گناهان خویش استغفار نمایند، ولی آنان که سرکش و نافرمان بودند، از گفتن این کلمه سر باز زدند و یا کلمات دیگری که معنایی غیر از آن داشت، بر زبان آوردند. خداوند به جزای این نافرمانی و لجاجت، رجز بر سرشان نازل کرد. در ۱۶۲ سوره اعراف: ۱۶۲ نیز این اثر بیان شده است.

و. مسخ شدن چهره

﴿فَلَمَّا عَتَا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ (اعراف: ۱۶۶)؛ «هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: به شکل میمون‌هایی طرد شده درآیید». آیه در مورد فرجام اصحاب سبت که حرمت روز شنبه را از بین بردند، است. این آیه راجع به صیدکنندگان است که مسخ شدند. از آنچه که نهی شده بودند طغیان کردند، یعنی به آن اهمیت نداده و سبت را شکستند. دو گروه از بین رفتند و فقط آمران به معروف نجات یافتند. قابل ذکر است که مسخ روحانی آنها با مسخ شدن چهره‌شان تکمیل شد، تا هر کس که از اعمال و فرجام آنها مطلع می شود، بداند که سرانجام محترم نشمردن حدود الهی و عدم توجه به نهی ناهیان منکر چیست (جلالی کندری، ۱۳۸۰: ص ۲۲۴).

ز. خواری و درماندگی در زندگی دنیوی

﴿فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (بقره: ۸۵)؛ «برای کسی از شما که این عمل تبعیض در میان احکام و قوانین الهی را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود».

در این آیه خداوند به اسلاف یهود هشدار می‌دهد که آنها به علت عهد شکنی معاقبه خواهند شد، چنانکه گذشتگان نیز با عهد شکنی معاقبه شدند و این معاقبه با خواری در زندگی دنیا و عذاب در آخرت است.

البته این فقط مخصوص بنی اسرائیل نبود، بلکه سنت جاری خداوند است. هر قومی و ملتی که از قانون حق و از دستور دین نافرمانی کردند، خزی، ذلت، سقوط، طعمه اجانب شدن در کمین آنها است (قرشی، ۱۳۷۷).

آیه دیگری از همکاری یهود و منافقان و توطئه مشترک آنها برای مراجعه به رسول اکرم ﷺ، به منظور قضاوت ایشان درباره فرد زناکار سخن گفته است. سوره مائده جزای این افراد را چنین تعیین می‌کند: «آنها کسانی هستند که خدا نخواست دهلیشان را پاک کند در دنیا رسوایی و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد» (مائده: ۴۱).

از آیاتی که ذلت در دنیا را به عنوان عقاب یهود مطرح می‌کند، آیه‌ای است که آنان را به دلیل گوساله پرستی مذمت کرده و می‌فرماید: «کسانی که گوساله را معبود خود قرار دادند، به زودی خشم پروردگارشان و ذلت در زندگی دنیا به آنها می‌رسد و اینچنین، کسانی را که بر خدا افترا می‌بندند، کیفر می‌دهیم» (اعراف: ۱۵۲).

ذلت در زندگی دنیا اختصاصی به قوم موسی ﷺ نداشته است، بلکه سنتی است که خداوند آن را در حق هر ملتی که به خدا افتراء ببندد و بت پرستی را به جای یکتاپرستی انتخاب کند، جاری می‌سازد.

در نمونه‌ای دیگر، خداوند ذلت و مسکنت را به عنوان عقاب دنیوی برای گناه کفر و کشتن پیامبران بر یهود قرار داده است (بقره: ۶۱).

ح. آوارگی و سرگردانی

«قال فاتها حُرْمَةٌ عليهم أربعين سنةً يتيهون في الأرض فلا تأس على القوم الفاسقين» (مائده: ۲۶)؛ «خداوند به موسی ﷺ فرمود: این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است و به آن نخواهند رسید. پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود و درباره سرنوشت این جمعیت گنهکار غمگین مباش.»

یهود در تاریخ زندگی خود شاهد آوارگی‌های بسیار بوده است. دشمن بارها بر آنها مسلط شده، آنها را از خانه و کاشانه خود با ذلت و خواری بیرون رانده و به اسیری برده است. قرآن کریم اشاراتی به آوارگی یهود دارد. از جمله این آوارگی‌ها، سرگردانی چهل ساله آنهاست که پس از سرپیچی ایشان از فرمان جهاد برای فتح سرزمین مقدس، به عنوان عقوبت بر آنها مقرر شد. آنان حیران و سرگردان کوچ می‌کردند، نه چون شهرنشینان در شهری استراحت داشتند و نه چون بیابان نشینان دارای زندگی بدوی بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۲۹۵).

یهود معاصر پیامبر نیز همچون اسلاف خود سر نافرمانی و عصیان با پیامبر اکرم ﷺ داشتند. جزای عهد شکنی آنان چنین بیان شده است: «وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ» (حشر: ۳)؛ «و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است».

«جلاء» به معنای ترک وطن است و نوشتن جلاء علیه یهود به معنای راندن قضاء آن است. مراد از عذاب دنیوی آنان، عذاب انقراض و یا کشته شدن و یا اسیر گشتن است (همان: ج ۱۹، ص ۲۰۲).

ط. سلب اقتدار از گروهی و تحت فرمان دیگران قرار گرفتن

خداوند متعال در کلام الله مجید می‌فرماید:

«و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ أَنْ رَبُّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ* وَقَطَعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف: ۱۶۷-۱۶۸)؛ «و نیز به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع و در عین حال، نسبت به توبه‌کاران آمرزنده و مهربان است. و آنها را در زمین بصورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم؛ گروهی از آنها صالح و گروهی ناصالحند و آنها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند».

منظور از عذاب در این آیه، استخفاف و خواری، یا قتل و جنگ، یا اخراج از وطن و یا جزیه است که در دنیا بر آنها وارد شد و همه اینها موجب سلب ملک از آنان شد. پس آیه بیان سنت الهی بر نظام جامعه بشری است که این سنت بر یهود نیز جاری شد و آن این بود که به عقاب ظلم و فسق و فسادشان، دیگر قوم‌ها بر آنها مسلط شده و اقتدارشان را سلب کردند. چنانچه در سوره هود اثر رفتار جمعی منفی قوم هود، جانشینی قومی دیگر به جای آنها بود (هود: ۵۷). همچنین خداوند در سوره اسراء نیز به دو فساد بزرگ بنی اسرائیل اشاره کرده و اثر نامبرده را در مورد رفتار جمعی ایشان بیان کرده است (اسراء: ۵ و ۷).

ی. طبع دل‌ها

هرگاه قلب و دل انسان از نرمی، رقت و احساس رحم خالی شود، قساوت و سختی در آن جای می‌گیرد. در این حالت انسان حق را نمی‌پذیرد و نزد آن خاشع نمی‌شود؛ اندرز و انذار در او اثری نمی‌بخشد. قلب قاسی در برابر حق خشوع ندارد و رحمت و رقت به آن دست نمی‌دهد (قراباغی: ۱۳۹۴).

خداوند در کلماتش درباره بندگان سعادت‌مندش، فرموده است که آنها را زندگی پاکیزه می‌بخشد، به وسیله روح ایمان تقویتشان می‌کند، از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت می‌کند؛ نوری در برابر آنها قرار می‌دهد که بتوانند در پرتو آن به سیر خود ادامه دهند و درباره شقاوت‌مندان فرموده است که آنها را به جرم اعمالشان گمراه می‌کند، از نور به ظلمت می‌کشاند، بر دل‌های آنها مهر غفلت می‌نهد، بر گوش و چشم آنها پرده می‌اندازد، از پیش رو و پشت سر آنها سدّی قرار می‌دهد که راه پیشرفت و بازگشت نداشته باشند، سپس آنها را نابینا می‌کند و همنشین شیطان قرار می‌دهد تا گمراهشان کند، در حالیکه گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند (جلالی‌کندری، ۱۳۸۰: ص ۲۳۵). همچنین این اثر در آیات دیگری نیز بیان شده است (بقره: ۷ و ۷۴؛ مائده: ۱۳).

قابل ذکر است که قساوت قلب به عنوان مرکز عواطف انسانی و عشق در وجود انسان نیز خود آثار زیانبار و جبران‌ناپذیری از جمله دل‌مردگی (روم: ۵۲) و کاهش روزی (طه: ۱۲۴) به دنبال خواهد داشت.

۲-۳. آثار رفتار جمعی منفی اخروی

در ذیل به بررسی آثار رفتار جمعی منفی اخروی، از منظر آیات قرآن کریم پرداخته شده است.

یک. محرومیت از بهره‌های اخروی

یکی از عقوبت‌های رفتار جمعی منفی در قیامت، بی بهره ماندن آنان از نعمت‌های آخرت است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (آل عمران: ۲۱-۲۲)؛

«کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و نیز مردمی را که امر به عدالت می‌کنند، به قتل می‌رسانند و به کیفر دردناک الهی بشارت ده! آنها کسانی هستند که اعمال نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ، در دنیا و آخرت تباه شده و یاور و مددکار و شفاعت کننده‌های ندارند».

در آیات یادشده با افعال مضارع از انجام این گناهان تعبیر کرده است و آن نشان می‌دهد که این اعمال تداوم و استمرار داشته است. عقاب مرتکبین این گناهان به خصوص به طور جمعی، عذاب الیم در آخرت و حبط اعمال آنها در دنیا و آخرت است. البته در آیه مورد بحث، هم به عذاب آخرت تهدید شده‌اند و هم به عذاب دنیا. عذاب آخرتشان عذاب آتش و عذاب دنیایی‌شان کشته شدن و آواره گشتن و از بین رفتن اموال و جان‌هایشان بود و نیز عذاب دیگرشان این بود که خدا دشمنی را در بین آنان تا روز قیامت قرار داد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۱۲۴).

در آیه‌ای دیگر با اشاره رفتار جمعی مبتنی بر عهد شکنی و خیانت در امانت برخی از آنان، وعده عذاب دردناک، به عنوان اثر رفتارشان، به ایشان می‌دهد (آل عمران: ۷۷). همچنین در مورد اثر رفتار جمعی منفی قوم عاد، چنین بیان شده است:

﴿وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ﴾ (هود: ۶۰)؛

«آنها به خاطر اعمالشان در این دنیا مورد لعن و نفرین واقع شدند و بعد از مرگشان جز نام بد و تاریخ ننگین از آنها باقی نماند و در روز رستاخیز گفته می‌شود: بدانید که قوم عاد پروردگارش را انکار کردند. دور باد عاد، از رحمت پروردگار».

در مورد رفتار جمعی منفی نقباء بنی اسرائیل مبنی بر پیمان شکنی و تحریف و خیانت چنین ذکر شده است: «ولی به خاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم» (مائده: ۱۳).

ب. بی‌اعتنایی خداوند

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَاِيمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلُمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۷۷)؛

«کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را از گناه پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آنهاست».

مقصود از این عبارات، بیان شدت سخط و غضب خداوند نسبت به گروهی با رفتار جمعی منفی عهد شکنی و گناهان بسیار است و از بی‌محبتی و بی‌توجهی خداوند به آنان سخن می‌گویند. خداوند در آیه ۱۷۴ سوره بقره نیز متذکر بی‌توجهی به آنان در روز قیامت شده است.

ج. کیفر شدن به شدیدترین عذاب‌ها در آخرت

در سوره هود در مورد اثر رفتار جمعی قوم عاد آمده است: «... نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ (هود: ۵۸)؛ «و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم».

در آیات قرآن کریم در موارد دیگری نیز عذاب، توصیف به غلیظ شده است (ابراهیم: ۱۷؛ لقمان: ۲۴؛ فصلت: ۵۰). با دقت در آن آیات چنین به نظر می‌رسد که عذاب غلیظ مربوط به سرای دیگر است. به خصوص آیات سوره ابراهیم که در آن اشاره بر عذاب غلیظ شده است با صراحت، حال دوزخیان را بیان می‌دارد و باید هم چنین باشد؛ چرا که هر اندازه عذاب دنیا شدید باشد باز در برابر عذاب آخرت خفیف و کم اهمیت است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۹، ص ۱۴۳). چنانچه در مورد قوم نوح نیز بیان شده است که علاوه بر آثار دنیوی رفتار جمعی آنان، اثر اخروی مجازات پروردگار نیز دامانشان را گرفت (نوح: ۲۵).
یهود نیز به سبب گناهان مختلفشان آن هم به طور جمعی، نه تنها از نعمت‌های اخروی بی بهره‌اند و مورد بی‌مهری و بی‌توجهی خداوند قرار می‌گیرند، بلکه به شدیدترین عذاب‌ها دچار خواهند شد (غافر: ۵). آیات بسیاری متذکر این عقوبت یهود شده‌اند (ر.ک. بقره: ۸۵-۸۶). این آیات، گرچه درباره بنی اسرائیل نازل شده است، ولی یک سلسله قوانین کلی برای همه ملل دنیا، عوامل زنده ماندن و بقاء و سرفرازی ملت‌ها و رمز شکست آنان را یادآور می‌شود.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر بیان می‌کند که یهودیان به سبب رفتار جمعی مبتنی بر کفر به حضرت محمد ﷺ و قرآن کریم و ایمان نیاوردن به او با وجود علم و آگاهی، به خشم مجدد گرفتار و به عذاب‌های خوارکننده مبتلا می‌شوند (بقره: ۹۰).
همچنین قرآن کریم اثر رفتار جمعی مبتنی بر کفران نعمت و عدم شکرگزاری را عذاب دردناک می‌داند (هود: ۴۸؛ بقره: ۱۶۲). در آیات دیگری نیز به این عذاب‌های اخروی اشاره شده است (نساء: ۳۷، ۱۵۱ و ۱۶۱؛ آل عمران: ۲۱، ۵۶، ۸۸، ۱۸۱ و ۱۸۸؛ مائده: ۴۰-۴۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد به دست آمده از بررسی آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی در قرآن کریم، این نتیجه بدست می‌آید که با عبرت گرفتن از عملکرد گذشتگان (نازعات: ۲۶) و علم به اینکه سنت خداوند تغییر ناپذیر است (فاطر: ۴۳) و نیز اینکه افراد و نسل‌های هر

جامعه دارای یک تفکر اجتماعی، یک اراده عمومی و خلاصه یک روح جمعی می‌باشند (مطهری: ۳۲۳)، می‌توان با شناخت آثار سوء رفتار جمعی منفی و آثار سازنده‌ی رفتار جمعی مثبت در زندگی و سرنوشت دنیوی و اخروی جامعه، به راه حلی مناسب برای در امان ماندن از گرداب فتنه‌های فراگیری که در عصر حاضر مشاهده می‌شود، دست یافت؛ زیرا تحقق سنت‌های الهی هرچند اجتناب ناپذیر است، اما در ذیل حکمت و مشیت الهی با اراده و رفتار جمعی انسانها گره خورده و خود را در تاریخ پرفراز و نشیب انسانی در ساحت‌های مختلف دنیوی و اخروی نشان خواهد داد. بر این اساس، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آثار دنیوی و اخروی رفتار جمعی مثبت، شامل آبادانی شهرها و نزول برکات بر آنها، زمامداری شایستگان روی زمین، بالندگی و همه‌گیر شدن اسلام، یاری خدا و پیروزی پیامبران و باورمندان و حزب الله، افزایش هدایت خاص مؤمنین، فرقان و سرپرست و ولی شدن خدای سبحان برای ایشان، امداد مؤمنین، اعطاء حیات طیبه به مؤمنین، معیت خدا، ازدیاد نعمتها، نجات بخشی خدا و امنیت است. همچنین آثار رفتار جمعی منفی دنیوی شامل: مجازات با صاعقه، غرق شدن، باران سنگ، نفرین پیامبران و صالحین، نزول رجز و عذاب، مسخ شدن چهره، خواری و درماندگی در زندگی دنیوی، آوارگی و سرگردانی، سلب اقتدار از گروهی و تحت فرمان دیگران قرار گرفتن و طبع دلها و قساوت آن و آثار رفتار جمعی منفی اخروی شامل: محرومیت از بهره‌های اخروی، بی‌اعتنایی خداوند، کیفر شدن به شدیدترین عذاب‌ها در آخرت است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- ۱. آقاجانی، نصرالله، «ویزگیها و انواع سنت های الهی در تدبیر جوامع»، نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۷، ص ۲۲-۱۳۹۳، ۶۰ ش.
- ۲. ابراهیمیان، سید حسین، ربیعی، زهره، بسمل، محبوبه، «شیوه های نزول امدادهای غیبی بر مؤمنین از منظر آیات قرآن»، نشریه مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۱۳۹۴، ۲۴ ش.
- ۳. باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه های اجتماعی شهید مطهری، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
- ۴. جلالی کندری، سهیلا، شناخت یهود، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام، ۱۳۸۰ ش.
- ۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲ ش.
- ۶. جوکار، محبوبه، «سنت های الهی در پاداش ها و کیفرهای دنیوی (قسمت اول)»، نشریه مطالعات قرآنی نامه جامعه، دوره ۱۱، شماره ۱۳۹۱، ۴۳ ش.
- ۷. خاتمینژاد، سید محمد، ملکی، یداله، «کاوشی تازه پیرامون سنت های الهی رایج در تاریخ»، نشریه پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۵، ۱۳۹۸ ش، ص ۵۹-۸۹.
- ۸. خلیلیزاده حاجی، حکیمه، «بررسی تطبیقی ویژگی های مشترک قوم بنی اسرائیل و مردم آخر زمان از منظر قرآن و روایات معصومین علیهم السلام»، دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- ۹. رجب زاده عصارها، زهره، «بررسی نقش مردم در غیبت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه»، تهران: دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۰. صدر، سید محمد باقر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: جمال الدین موسوی، تهران: انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ه.ق.
- ۱۲. عبداللهی علی بیگ، حمیده، «فال بد زدن از دیدگاه قرآن و روایات»، نشریه مطالعات اسلامی، ش ۶۰، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳-۲۲۲.
- ۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۴. قراباغی، جواد، «اسباب قساوت قلب از منظر قرآن و حدیث»، مبلغان، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۰-۱۷.
- ۱۵. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۶. گلستانی، صادق، «هدایت خاص مؤمنان سنت های تاریخی قرآن درباره مؤمنان»، تاریخ در آئینه پژوهش، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۷. گرجیان، محمد مهدی، کبیری، زینب، «تحلیل کارآمدی انتظار در حیات طیبه»، انتظار موعود، شماره ۵۴، ۱۳۹۵ ش، ص ۵-۲۶.

۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، «گونه شناسی هدایت الهی در قرآن و حدیث»، علوم حدیث، ش ۶۴، ۱۳۹۱، ص ۳-۲۲.
۲۰. مرادی، گلمراد، افروز، صدیقه، «نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در ایجاد رفتارهای جمعی جوانان مورد مطالعه شهر بوشهر»، جامعه شناسی مطالعات جوانان، ش (۹)، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۳۳-۱۵۴.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. مطهری، مرتضی، فلسفه تاریخ، تهران: صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. _____، انسان و سرنوشت، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۲۵. _____، جامعه و تاریخ در قرآن، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۶ ش.
۲۶. مظاهری سیف، حمیدرضا، «حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم»، معرفت، ش ۱۰۹، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

